

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیّه	پیاده‌سازی

مصباح‌الهدی، مبحث اهل بیت علیهم‌السلام (ص ۲۷۹ ف ۳)

چند جلسه‌ای در مورد اهل بیت علیهم‌السلام مبتنی بر آیات و روایات صحبت کردیم که مفاهیم همه‌ی جملات این فصل از کتاب مصباح را تا حدود زیادی شفاف و روشن کرد. این است که خیلی نیاز به توضیح نیست. به‌خصوص اینکه جمله‌های قبلی این فصل را هم توضیح داده‌ایم و این عبارات شاید زیاد نیاز به توضیح نداشته باشد.

امام هادی علیه‌السلام در زیارت جامعه‌ی کبیره در مورد اهل بیت علیهم‌السلام می‌فرمایند: **ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَائِكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ وَ آثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ**^۱ ذکر شما اهل بیت علیهم‌السلام در وجود ذاکران، و نام‌های شما در اسماء، و بدن‌های شما در داخل بدن‌ها، و روح‌های شما در روح‌ها، و جان‌های شما در جان‌ها، و آثار شما در آثار، و قبرهای شما در قبرها قرار دارد.

بعد بر اساس این جملات زیارت جامعه‌ی کبیره می‌فرمایند:

پس آنها را در درون خودت پیدا کن.

اگر ارواح آنها در روح ماست، اگر آنفس آنها در نفس ماست، اگر اجساد آنها در جسم و بدن ماست، پس آنها در درون ما هستند. روشن‌تر از این چطور توضیح دهیم؟ همه‌ی مراتب وجودیشان را نام

^۱. مجلسی، بحار، ج ۹۹، ص ۱۳۲ و نوری، مستدرک، ج ۱۰، ص ۴۲۴.

بردند. هفت مرتبه را نام بردند. خب، پس آنها را در درون خودت پیدا کن. خیلی بیرون نگرد. در درون خودت بگرد. آنها در روح تو هستند؛ در نفس تو هستند؛ در جسم تو هستند؛ در درون خودت بگرد و اهل بیت علیهم السلام را پیدا کن. بارها این را گفته‌ایم که اهل بیت علیهم السلام آیات الهیه هستند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: **مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي**:^۲ خدا آیه‌ای بزرگتر از من ندارد. این را امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند، از آن طرف قرآن فرمود: **سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ**:^۳ ما آیات خودمان را به‌زودی در آفاق که جهان بیرون است، و در نفس‌های اینها، در درون اینها به خودشان نشان می‌دهیم. **وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ؛ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَ فَلَا تُبْصِرُونَ**:^۴ نگاه نمی‌کنید؟ نگاه کن، ببینشان! بین که در درون تو هستند. به ملاقات درونی با اهل بیت علیهم السلام نایل شو. آن قدر نزدیک هستند که از خودت نزدیک‌ترند. گفت:

دوست نزدیک‌تر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم

چه کنم با که توان گفت که دوست در کنار من و من مهجورم

حالا نمی‌خواهم وارد آن بحث‌های عقلانیش بشوم که حضور علت در معلول، اشدّ از حضور معلول در معلول است. معلول مرتبه‌ی نازله‌ی خودِ علت است. مگر می‌شود از علت جدا باشد و علت در آن حضور نداشته باشد؟! نمی‌خواهم وارد این‌گونه بحث‌ها شوم. ولی باور کنیم که در درون خود ما هستند. آن قدر نزدیک هستند که از شدت نزدیکی دیده نمی‌شوند.

يَا مَنْ هُوَ إِخْتَفَى لِقَرِطِ نَوْرِهِ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ فِي ظَهْرِهِ

۲. مجلسی، بحار، ج ۲۳، ص ۲۰۶ و ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۹۸.

۳. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۵۳.

۴. سوره‌ی ذاریات، آیه‌های ۲۰ و ۲۱.

از فرط نورش مخفی شده است؛ از شدت نزدیکی مخفی شده است. گفتیم قدرت بینایی چشم مال نورش است؛ اما چشم نمی‌تواند نور چشم را ببیند؛ و امام چیست؟ در زیارات می‌خوانید: **یا نور أنصارِ الأورى**: ای نور چشم‌های خلائق. **یا خیر من نَقَمَصَ وَ ارْتَدَى**.^۵ دقت کردید! لذا در درون خودت است. منتها بیرون که دنبالش می‌گردی، نمی‌بینی؛ پیدایش نمی‌کنی. بیرون دنبالش می‌گردی؟ مثل اینکه کسی در خانه‌ات است، بعد تو رفتی در کوچه، در خیابان، در بزرگراه‌ها، در صحراها و در کوه‌ها دنبالش می‌گردی. حالا هی بگرد... در خانه‌ی خودت است! اگر گشتی، خسته شدی، مأیوس شدی، به خانه‌ات برگشتی، آمدی در خانه نشستی، می‌بینی ای داد بی‌داد! از روز اول همین‌جا پهلوی خود من بود. من نمی‌دیدمش. چون حواسم جاهای دیگر بود. جاهای دیگر دنبالش گشتم. اصلاً نمی‌توانستم تصور کنم که همین‌جا بغل خودم است. همین‌جاست. تصور نمی‌کردم. لذا فکر می‌کردم جاهای دیگر است. می‌رفتم جمکران ببینمش؛ می‌رفتم مسجد سهله ببینمش؛ می‌رفتم رضوی، می‌رفتم ذی‌طوی ببینمش. این شعر را بارها خوانده‌ام:

گفتم به کام وصلت خواهم رسید روزی؟ گفتا که نیک بنگر! شاید رسیده باشی

نیک بنگر! این نیک بنگر مهم است. درست نگاه کن! خوب نگاه کن! ببین مگر می‌شود من نباشم، تو باشی؟ مگر می‌شود؟

داخل قلاب عبارتی توسط نویسنده‌ی مصباح‌الهدی اضافه شده است:

^۵ مجلسی، بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۲ و طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۴.

[شبيهه مضامين مذکور در زیارت جامعه‌ی کبیره، در صلواتی که از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است نیز وجود دارد.] (۰۸:۱۵)

این روایت را من در جاهای متعدّد دیده‌ام. البته هنوز موقّق نشده‌ام در جوامع حدیثی پیدایش کنم. اما جاهای متعدّد دیده‌ام. یکی از جاهایی که شما زیاد دیده‌اید، وقتی به قبرستان‌های مؤمنین می‌روید، در خیلی از قبرستان‌های مؤمنین می‌بیند این را روی سنگ‌ها کنده‌اند یا روی تابلویی نوشته‌اند و نصب کرده‌اند. این روایت مشهور است. امیدواریم خدا توفیق دهد سند حدیثی را هم پیدا کنیم.

[شبيهه مضامين مذکور در زیارت جامعه‌ی کبیره، در صلواتی که از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است نیز وجود دارد و حضرت در مورد آن صلوات فرموده‌اند: اگر در قبرستان مسلمین یک بار خوانده شود، تا ده سال و اگر دو بار خوانده شود، تا چهل سال و اگر سه بار خوانده شود، تا ابد عذاب از اهل آن قبرستان برداشته می‌شود و اگر بر سر قبر پدر و مادر خوانده شود، حقّ آنها ادا شده است.] (۰۸:۵۸)

حقّ پدر و مادر چقدر سنگین است؟ عبارات خیلی عظیم است. خیلی چیز بزرگی است. زمانی کسی مرحوم شده بود و ما با تعدادی از رفقا برای مراسم تدفین او می‌رفتیم. یک رفیق اهل بصیرت، پیرمردی که چشم باطنش باز است، زودتر از ما داخل بهشت زهرا رفته بود، ما بعد وارد شدیم. با ماشین که وارد شدیم، من همین صلوات را خواندم. یادم نیست که به دوستان گفتم که همراه من بخوانید یا نه. بعد که به آن بزرگ رسیدیم، گفت: من نمی‌دانم چه بود، ولی مثلاً یک ربع قبل، عذاب از قبرستان برداشته شد. بعد به ایشان گفتم: ما این صلوات را خواندیم. این هم یک خاطره‌ای است راجع به این صلوات.

عبارت صلوات را می‌خوانم؛ شما هم در دلتان بخوانید. اگر بخواهیم باز کنیم که این اهل قبرستان هم یعنی چه، معانی متعددی دارد. یک صورت آن، صورت ظاهری بهشت زهراست و قبرهایی که افراد از دنیا رفتند و آنجا مدفونند. شاید مرتبه‌های دیگری هم داشته باشد. بعضی‌ها بدنشان قبرشان است. در این بدن مدفونند؛ در این بدن مرده‌اند؛ مدفون شده‌اند و شاید این صلوات آنها را زنده کند؛ حیات ببخشد. قرآن که فراوان کفار را تعبیر به میت کرده است. صورت ظاهر هم در خیابان راه می‌روند، حرف می‌زنند، کار می‌کنند، اما مرده‌اند؛ در قبر بدن مدفون هستند؛ بدن قبرشان است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مَادَامَتِ الصَّلَاةُ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مَادَامَتِ الْبَرَكَاتُ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مَادَامَتِ الرَّحْمَةُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَرْوَاحِ وَ صَلِّ عَلَى جَسَدِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْسَادِ وَ صَلِّ عَلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُبُورِ وَ صَلِّ عَلَى صُورَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الصُّورِ وَ صَلِّ عَلَى تُرْبَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي التُّرَابِ وَ صَلِّ عَلَى نُورِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَنْوَارِ، بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خداوندا تا صلوات باقی است، بر محمد و آل محمد صلوات بفرست و تا برکات باقی است، بر محمد و آل محمد صلوات بفرست و تا رحمت باقی است، بر محمد و آل محمد صلوات بفرست. بارالها بر روح محمد و آل محمد که در روح‌هاست، صلوات بفرست و بر جسد محمد و آل محمد که در جسدهاست، صلوات بفرست و بر قبر محمد و آل محمد که در قبرهاست، صلوات بفرست و بر صورت محمد و آل محمد که در صورت‌هاست، صلوات بفرست و بر تربت محمد و آل محمد که در تربت‌هاست، صلوات بفرست و بر نور محمد و آل محمد که در نورهاست، صلوات بفرست. به رحمتت، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان! (۱۲:۳۳)

قسمت دوم این صلوات هم اشاره به همان است که روح آنها در روح ما، جسم آنها در جسم ما، صورت آنها در صورت ما، و نور آنها در نور ماست، پس درون ما هستند. باید گشت پیدایشان کرد. حقیقت

آنها را در این کاوش درونی، در جستجوی درونی باید پیدا کرد. سری به درون کرد. به سرداب درون سر فرو کن تا آثاری از آن یار گمشده، پیدا و مکشوف شود. امیدواریم خدا به همه‌ی ما کمک کند، آن حقیقت را در این سیر باطنی بتوانیم ملاقات کنیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ